

❖ بحث: "طهارات ثلاث"

مرحوم آخوند با توجه به اینکه می گویند امر غیرى باعث قرب و ثواب نمی شود، با اشکالی مواجه می شوند ایشان این اشکال را چنین مطرح می کنند:

اگر امر غیرى، باعث قرب و ثواب نمی شود، چرا برخی از مقدمات چنین هستند:

«فهو أنه إذا كان الأمر الغيرى بما هو لا إطاعة له و لا قرب فى موافقته و لا مثوبة على امثاله فكيف حال بعض المقدمات كالطهارات حيث لا شبهة فى حصول الإطاعة و القرب و المثوبة بموافقة أمرها هذا مضافا إلى أن الأمر الغيرى لا شبهة فى كونه توصليا و قد اعتبر فى صحتها إتيانها بقصد القرية.»^۱

توضیح:

۱. اگر امر غیرى باعث قرب نمی شود پس چرا اولاً: در طهارت ثلاث (غسل و تیمم و وضو) ثواب و قرب وجود دارد.

۲. و ثانیاً: طهارت ثلاث غیرى هستند (و غیرى‌ها، توصلی هستند و توصلی‌ها محتاج قصد قربت نیستند) و در عین حال قصد قربت در آنها شرط است.

ما می گوئیم:

۱. چنانکه روشن است مرحوم آخوند دو اشکال را در مورد طهارت ثلاث (غسل، وضو و تیمم) مطرح می کنند:

اشکال اول: با توجه به اینکه امر به این موارد، غیرى است، چرا اطاعت آنها باعث ثواب می شود؟

اشکال دوم: با توجه به اینکه امر به این موارد غیرى است و هر امر غیرى، امر توصلی است، چرا که باید آنها را با قصد قربت به جای آورد؟

۲. مرحوم اصفهانی دو اشکال مرحوم آخوند را ابتدا طرح کرد و سپس بین آنها فرق می گذارند:

«الإشکال من وجوه:

۱. كفاية الأصول (طبع آل البيت)، ص ۱۱۱



أحدها- ما هو مقتضى الالتزام بأن الأمر الغيرى غير مقرب؛ حيث لا شأن له بخصوصه من حيث الغرض و الدعوة و القرب و الثواب، فعبادية الطهارات: إن كانت من ناحية أمرها الغيرى، فهو خلف؛ إذ لا يكون للأمر الغيرى موافقة بالاستقلال ليكون متعلقه عبادة فى عرض المتقيد بالطهارة، و إن كانت من ناحية استحبابها النفسى، فالاستحباب يزول بعد [طروء] أ الوجوب الغيرى. ثانيها- أن الأمر الغيرى- بما هو أمر مقدّمى توصلّى- يسقط الغرض منه بمجرد إتيان متعلقه، فلزوم التعبد به مناف لكونه توصلّىا.

و الفرق بين الموجهين: أن الوجه الأوّل يقتضى استحالة التعبد به بحيث يصير عبادة مستقلة، و الوجه الثانى يقتضى عدم لزوم التعبد به لحصول الغرض من التوصلّى بمجرد إتيانه، فلزوم التعبد به- و عدم سقوط الغرض منه إلا بالتعبد به- مناف للغيرية المساوقة للتوصلّىية، و لكنه لا ينافى وقوع التعبد به كما فى سائر التوصلّيات إذا اتى بها بداعى أمرها، فإن الغرض منها و إن لم يكن منوطا بالتعبد بها، لكنه يصحّ التعبد بها تحصيلاً للقرب و المثوبة.^١

توضيح:

١. اشكال اوّل:

اگر گفتیم اوامر غیرى، باعث ثواب و قرب نمى شوند، عبادت بودن طهارت یا باید به سبب امر غیرى باشد که این غلط است، چراکه فرض کرده ایم کسی مستقلاً امر غیرى را انجام نمى دهد [موافقت نمى کند] (یعنى اگر کسی مقدمه را انجام مى دهد به خاطر خودش آن را انجام نمى دهد بلکه به خاطر واجب نفسى آن را انجام مى دهد) و لذا متعلق امر غیرى (وضو) در عرض نماز (مقید به طهارت) نیست.

١. نهاية الدراية فى شرح الكفاية، [ياورقى] ج ٢، ص ١١٦



۲. و یا عبادت بودن طهارت به سبب استحباب نفسی آن است. در این صورت بعد از اینکه این عمل واجب غیری شد، دیگر مستحب نیست [چراکه دیگر نمی توان آن را ترک کرد در حالیکه مستحب را می توان ترک کرد]

۳. اشکال دوم: امر غیری چون توصلی است، اگر بدون قصد امر هم اتیان شود، ساقط می شود. و این با عبادی بودن سازگار نیست.

۴. فرق بین دو اشکال آن است که: نتیجه اشکال اول آن است که عبادی بودن طهارت (به اینکه عبادت مستقل باشند) [چراکه واجب غیری نمی تواند عبادی باشد] و نتیجه اشکال دوم آن است که لازم نیست طهارت عبادی باشند.

۳. اشکال سوم: علاوه بر دو اشکال مطرح شده، اشکال دیگری را مرحوم شیخ انصاری مطرح کرده است که در کلمات اصولیون دیگر هم مطرح است:

«مقتضى ما ذكرنا كون الطهارة- يعنى الرفع أو الاستباحة- متفرعة على تحقق الوضوء على وجه العباد، و المفروض أنه لا يكون عبادة إلا بعد الأمر لیتمكن فيه قصد موافقة إرادة الشارع، و لا أمر بالوضوء لأجل الصلاة إلا على وجه الوجوب الغیری المختص بالمقدمات، حيث إن رفع المانع و هو الحدث أحد المقدمات فتحقق الأمر الغیری يتوقف على كونه مقدمة، و مقدميته بمعنى رفعه للمانع متوقفة على إتيانه على وجه العبادة المتوقفة على الأمر به، فيلزم الدور.»^۱

توضیح:

۱. طهارت متوقف است بر وضو + قصد قربت.
۲. وضو + قصد قربت است بر امر شارع به آن.
۳. و امر شارع هم متوقف است بر اینکه وضو + قصد قربت مقدمه باشد.
۴. پس امر شارع متوقف است بر اینکه وضو مقدمه باشد و مقدمه بودن وضو هم متوقف است بر امر شارع.

۱. کتاب الطهارة (للشیخ الأنصاری)، ج ۲، ص ۵۴.



۴. مرحوم بروجردی اشکال سوم را چنین تقریر کرده است:

الثانية: من حيث إنه يعتبر فيها قصد التقرب و الامتثال، فلا بدّ من تعلق الأمر الغيرى بالطهارات بداعى أمرها، فيأتى الإشكال المعروف فى الواجبات التبعديّة: من كون الأمر داعياً إلى داعويّة نفسه و لا يأتى الجواب الذى قال به المحقق الخراسانى رحمه الله هناك: من تعلق الأمر بالأهمّ من الغرض، لأنّ الأمر الغيرى إنّما يتعلّق بالمقدّمة بملاك المقدّميّة، و لم يكن الملاك إلّا فى الطهارة المقيّدة بالتقرب.^۱

توضیح:

[اشکال سوم]

۱. از آنجا که در طهارت ثلاث، لازم است این اعمال با قصد قربت همراه باشد، لازم است که این اعمال به خاطر اینکه شارع امر کرده است، اتیان شوند. پس اشکال دور مطرح می شود که امر نمی تواند بر مکلف واجب کند که مامور به را به خاطر «امر» به جای آورد.
۲. جوابی که در مورد اوامر دیگر مطرح شده است [امر به مطلق - اوسع - تعلق گرفته و عقل است که آن را مضیق به قصد امر می کند] را نمی توان در اینجا مطرح کرد، چراکه:
۳. امر غیرى اگر به وضو (مثلاً) تعلق گرفته است، از آن جهت است که وضو مقدمه نماز است و آن وضویی که مقدمه است «وضوی با قصد قربت» است. پس امر نمی تواند به وضوی مطلق از قصد تقرب تعلق گرفته باشد.

۱. لمحات الأصول، النص، ص ۱۴۹.

